

باسمه تعالی

عنوان مقاله: مسجد، تمدن نوین اسلامی و سبک زندگی (۱)

تولید شده در کارگروه تولید محتوای معاونت فرهنگی و اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

بهمن ۱۴۰۳

سبک زندگی، بُعد ظاهری هر تمدنی را تشکیل می‌دهد. اگر بُعد باطنی هر تمدنی را به مبانی و عقاید و اصول آن تمدن بدانیم، سبک زندگی، ظاهر تمدن را تشکیل می‌دهد.

عقائد و سبک زندگی، هر دو تأثیر شگرفی در یکدیگر دارند. شاید در نگاه اول، چنین به نظر برسد که این فقط عقائد است که سبک زندگی را می‌سازد و سبک زندگی هیچ تأثیری در عقائد ندارد؛ اما چنین نیست؛ لایه های ظاهری زندگی انسان که شامل رفتار و سبک زندگی انسان است می‌تواند عقائدساز باشد. قرآن کریم درباره تأثیر رفتار انسان بر عقائد او می‌فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا أَلْسُوْا أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ» (روم/ ۱۰) تکذیب و استهزاء آیات خداوند، سرانجام کسانی است که اعمال بد انجام دادند. این آیه به دلالتی آشکار، تأثیر اعمال بر عقائد را نشان می‌دهد.

روایتی وجود دارد که به طور صریح تأثیر سبک زندگی را بر عقائد نشان می‌دهد و خاص تر از آیه فوق است؛ «الإمامُ الصَّادِقُ عليه السلام - عن آبائه عليهم السلام - : أوحى اللهُ إلى نبيِّ من الأنبياء أن قلِّ لِقَوْمِكَ : لا تلبسوا لباسَ أعدائى و لا تطعموا مطاعِمَ أعدائى ، و لا تُشاكلوا بما شاكلَ أعدائى ، فَتَكُونُوا أعدائى كما هم أعدائى»^۱ امام صادق عليه السلام - به نقل از پدران بزرگوارش عليهم السلام - فرمود : خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود که به مردم خود بگو : لباس دشمنان مرا نپوشید و خوراک دشمنان مرا نخورید خود را به شکل و شمایل دشمنان من در نیاورید؛ که در این صورت، شما نیز همچون آنها، دشمن من خواهید بود. این روایت صراحتاً غذا خوردن و لباس پوشیدن و شکل و شمایل و تیپ ظاهری را در ایجاد عقائد مؤثر می‌داند. این که می‌فرماید اگر لباس دشمنان مرا بپوشید و غذای آنها را بخورید و شکل و شمایل آنها را پیدا کنید، مانند آنها دشمن من می‌شوید، یعنی این که عقائد شما بر می‌گردد و آیات مرا تکذیب می‌کنید و به استهزاء آیات الهی می‌پردازید. آنگاه مطابق با عقائد جدید، اعمال و اخلاق جدیدی پیدا می‌کنید که مطابق با عقائد جدید است.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۴۶

نتیجه این که عقائد، افعال را می‌سازد و افعال، عقائد را. گاهی عقائد، اعمال درست می‌کند و آن اعمال، بر عقائد پیشین می‌افزاید و گاهی اعمال، عقائدی درست می‌کنند که آن عقائد بر شدت اعمال می‌افزایند. مثال اینها مثال آتش و حرارت است که گاهی آتش بر حرارت می‌افزاید و حرارت تولید شده نیز آتش را افزونتر می‌کند؛ و بالعکس گاهی حرارت، آتش را فزونی می‌بخشد و آتش جدید، حرارت را می‌افزاید.

از اینجا معلوم می‌شود که کلام برخی از فرقه‌های انحرافی که می‌گویند «دل باید پاک باشد» کاملاً انحرافی و خطاست. دلی که پاک باشد، اما با اباحه‌گری، هر فعلی از او سر بزند، بر فرض که در ابتدا دل او پاک باشد، به تدریج با انجام اعمال سوء، دیگر دل پاکی برای او نخواهد ماند.

سبک زندگی، یکی از زیرمجموعه‌های افعال و اعمال انسان است. به عبارت دیگر، اگر مراتب وجود انسان را به مرتبه‌ی عقائد، اخلاق و افعال، تقسیم کنیم، سبک زندگی زیرمجموعه‌ی حیطة افعال انسان قرار خواهد گرفت. نتیجه‌ی مباحث فوق این است که اگر بخواهیم عقائد و اخلاق سالمی داشته باشیم باید سبک زندگی متناسب با همان عقائد را طراحی و اجرا کنیم.

با توجه به مطالب فوق آیا می‌توان نسبت به سبک زندگی بی‌تفاوت بود و در عین حال از رعایت تقوا و اعتقاد به توحید و عقائد گفت؟ آیا می‌توانیم سبک زندگی خود را مطابق با دشمنان خدا طراحی کنیم و فرمان فکر الهی باشد؟

شاید با رمزگشایی از مطلب فوق بتوانیم به سرّ این که چرا امروزه، صحبت از عقائد و فکر صحیح، آنگونه که باید اثرات زیادی ندارد، پی ببریم؛ یک کلام: سبک زندگی دشمنان خدا و به عبارتی رسوخ لایف استایل آمریکایی، تمام هوش و حواس و افکار و عقائد ما را ربوده است.